

B رابرت وانوی، خروج به تبعید، سخنرانی 7

جاشوا: جریکو، آی

III. ج. فتح کنعان - یوشع ۱۳:۵-۲۴:۱۲

یوشع ۱۳:۵ تا ۱۲:۲۴ «Canaan: ما به بخش ج. زیر بخش سوم می‌رسیم که» فتح
Jericho در یوشع ۶ «قرار دارد. مطمئنم همه شما با داستان تصرف آشنا هستید Jericho است. ۱. زیر آن» فتح
من فکر می‌کنم اهمیت Israel مطمئناً این یک روش بسیار غیر معمول و معجزه‌آسا بود که خداوند شهر را به
روشی که اسرائیل اریحا را تصرف کرد این است که این اولین شهری در سرزمین کنعان بود که آنها تصرف
کردند، و روشی که انجام شد توسط خداوند در نظر گرفته شده بود تا به آنها نمونه روشنی بدهد که زمین را به
عنوان هدیه‌ای از دست او دریافت کنند، و در نهایت زمین متعلق به خداوند است، نه به اسرائیل.

به همراه Jericho در فصل ۶، در آیه دوم، متوجه خواهید شد که خداوند می‌گوید: «ببینید، من شهر را
نتیجه استراتژی نظامی، نیروی Jericho پادشاه و مردان جنگجویان به دست شما تسلیم کرده‌ام.» تصرف شهر
غالب یا محاصره طولانی نبود؛ بلکه شهر توسط خدا به دست بنی‌اسرائیل سپرده شد، زمانی که بنی‌اسرائیل از
دستورالعمل‌هایی که ممکن است بی‌معنی و عجیب به نظر برسد، پیروی کردند. در آیه سوم متوجه خواهید شد که
به آنها گفته شده است: «یک بار با تمام مردان مسلح به دور شهر بگردید. این کار را به مدت شش روز انجام
دهید. هفت کاهن را در جلوی صندوق عهد قرار دهید که شیپورهای شاخ قوچ را حمل کنند. در روز هفتم، هفت
بار به دور شهر بگردید و کاهنان شیپورها را بنوازند. وقتی صدای بلند شیپورها را شنیدید، از همه مردم بخواهید
که با صدای بلند فریاد بزنند. سپس دیوار شهر فرو خواهد ریخت و مردم، هر کس مستقیماً به داخل شهر خواهد
رفت.» بنابراین، شما به مدت شش روز، روزی یک بار دور شهر رژه می‌روید، و سپس در روز هفتم، هفت بار
دور آن رژه می‌روید، و شیپورها را می‌نوازید و فریاد می‌زنید، و دیوار شهر فرو خواهد ریخت. اما این دقیقاً
همان چیزی است که اتفاق می‌افتد! به آیه ۲۰ نگاه کنید: «چون شیپورها نواخته شدند، مردم فریاد زدند، و با
صدای شیپور، هنگامی که مردم فریاد بلند سر دادند، دیوار فرو ریخت. پس هر کس مستقیماً به داخل حمله کرد و
شهر را تصرف کرد.»

هرم - وقف شده و ملعون - جدا شده وقف شده به خداوند [تخریب شده یا ۲.

به خزانه خداوند سپرده شده است] اما چیزی که می‌بینید این است که به مردم گفته شده است که شهر فقط برای
وقف شدن به جلال خدا باید تصرف شود، و من فکر می‌کنم این موضوع به طور مساوی در مورد بقیه سرزمین
تا ۱۹ از باب ۶ توضیح داده شده است. در اینجا یک مشکل نیز صدق می‌کند. این موضوع را در آیات ۱۷
ترجمه وجود دارد که حول کلمه عبری **هیرم می‌چرخد**. شاید با آن آشنا باشید، اما به آیه ۱۷ توجه کنید: «شهر

و هر آنچه در آن است باید— «ترجمه جدید انگلیسی می‌گوید» اختصاص داده شود— که همان «هرم» است— به خداوند اختصاص داده شود. فقط راحاب فاحشه و همه کسانی که با او در خانه‌اش هستند، نجات خواهند یافت، زیرا او جاسوسانی را که فرستادیم پنهان کرد. اما از چیزهای وقف شده [که همان کلمه «هرم» است] دوری کنید، مبدا با برداشتن هر یک از آنها، خود را هلاک کنید» [هلاکت خود «همان کلمه» «هرم» است] *Israël* / است. «هر یک از «هرم». «این کلمه دوباره تکرار می‌شود». در غیر این صورت، اردوگاه را در معرض نابودی قرار خواهید داد و برای آن مشکل ایجاد خواهید کرد. تمام نقره و طلا و اشیاء برنزی و آهنی برای خداوند مقدس هستند و باید به خزانه او بروند. «بنابراین کلمه «هرم» پنج بار در آن سه آیه آمده است. ایده اصلی «هرم» این است که چیزی را جدا از استفاده شخصی، وقف خداوند کنیم. این کار را می‌توان به دو صورت انجام داد: یا با نابود شدن، یا با قرار دادن در خزانه خداوند. در این مورد، ساکنان و گاوها باید کشته و نابود می‌شدند در حالی که طلا و نقره به خزانه خداوند سپرده می‌شد. سپس، در پایان فصل، فرمان دیگری داده می‌شود، جایی که می‌خوانید: «یوشع این سوگند جدی را ادا کرد: «ملعون است در حضور خداوند، کسی که او به قیمت جان پسر نخست‌زاده‌اش پایه‌های آن را بنا خواهد کرد». Jericho بازسازی این شهر را بر عهده بگیرد.» و به قیمت جان کوچکترین فرزندش دروازه‌های آن را برپا خواهد نمود»

را که به نقل قول‌های شما در صفحه ۵۲ *herem* می‌خواستم در این مورد توضیحاتی بدهم، اما اهمیت اشاره دارد، از قلم انداختم. بیایید کمی به آن برگردیم تا کمی بیشتر در مورد آن توضیح دهیم. در صفحه ۵۲ نقل قول‌های شما، دو پاراگراف از کتاب «یوشع و جریان تاریخ کتاب مقدس» نوشته فرانسویس شفر آمده است. او می‌گوید: «شهر ملعون خواهد شد»، به نقل از یوشع ۶:۱۷. این ترجمه جدید می‌گوید: «شهر و هر آنچه در آن است، باید وقف خداوند شود.» ببینید، این دوباره کلمه *هرم* است. ممکن است بپرسید، آیا موقوف به خداوند «است یا «ملعون»؟ ترجمه متفاوت است، اما این بخشی از دشواری ترجمه کلمه *هرم* است.» شفر می‌گوید «ملعون» تنها بخشی از معنای این کلمه را نشان می‌دهد. کلمه عبری هم به معنای «ملعون» و هم به معنای «موقوف» است - یعنی به خدا داده شده است. در اینجا به وضوح به معنای دومی است. شهر وقف خواهد شد، که ترجمه جدید آن نیز به این صورت است: «شهر و هر آنچه در آن است، باید وقف خداوند شود. فقط راحاب فاحشه و همه کسانی که با او در خانه‌اش هستند، نجات خواهند یافت، زیرا او جاسوسانی را که فرستادیم پنهان کرد.» به این ترتیب یوشع دستور حفاظت از او را داد. دستورات یوشع به مردم کاملاً روشن می‌کند که شهر وقف شده بود. اما شما فقط از چیزهای وقف‌شده دوری کنید، مبدا وقتی از چیزهای وقف‌شده چیزی برمی‌دارید، ملعونین را به دردمر بیندازید. اما تمام نقره و طلا برای خداوند مقدس است و به خزانه خداوند *Israel* اردوگاه نشانه نوبرها بود؛ در همه چیز، نوبرها از Jericho خواهد آمد. «و سپس نظر شفر را در اینجا می‌خوانید: «شهر.» نوبرهای زمین بود؛ بنابراین هر چه در آن بود به خدا وقف شد Jericho. آن خدا بودند»

بنابراین آن نظر اضافی در مورد چیز وقف شده وجود دارد، اریحای نفرین شده که نباید بازسازی شود و اخاب ۳. اما سپس به آن نفرین در انتهای فصل برمی‌گردید که یوشع بر هر کسی که این شهر ویران شده اریحا را بازسازی کند، قرار می‌دهد. متوجه می‌شویم که این شهر برای مدت طولانی بازسازی نشد، اما در اول پادشاهان ۱۶:۳۴، در زمان اخاب، بازسازی شد. اول پادشاهان ۱۶:۳۰ می‌گوید: «خاب پسر عمری در نظر خداوند از هر کس دیگری که پیش از او بود، پلیدتر عمل کرد. او نه تنها ارتکاب گناهان یربعام پسر نباط را ناچیز شمرد، بلکه با ایزابل دختر اتبعل پادشاه صیدونیان نیز ازدواج کرد و شروع به خدمت به بعل و پرستش او نمود.» سپس برخی از temple اعمال شیطانی او را فهرست می‌کند: «او در جایی که ساخته بود، مذبحی برای بعل برپا کرد

قبل از خود، خشم خداوند، Israel همچنین یک بت اشره ساخت و بیش از همه پادشاهان Samaria اخاب Baal خدای اسرائیل را برانگیخت.» سپس تقریباً اوج اعمال شیطانی او را در آیه ۳۴ می‌خوانید: «در زمان اخاب، حنیل او پایه‌های آن را به قیمت جان پسر اولش ابیرام گذاشت و دروازه‌های آن Jericho بیت‌ئیل شهر را بازسازی کرد را به قیمت جان پسر کوچکش سجوی برپا کرد، مطابق کلام خداوند که توسط یوشع پسر نون گفته شده بود.» این اشاره‌ای است به آنچه یوشع در ۶:۲۶ گفت: «هر که آن را از نو بسازد، پایه‌هایش را به قیمت جان پسر نخست‌زاده‌اش خواهد گذاشت و دروازه‌هایش را به قیمت جان پسر کوچکش برپا خواهد کرد.» اخاب از ۸۷۴ تا پیش از میلاد سلطنت کرد، بنابراین وقتی این پیشگویی به حقیقت می‌پیوندد، در دهه ۸۰۰ میلادی هستی ۸۵۲

زمان فتوحات، می‌دانید، به اوایل/اواخر تاریخ بحث خروج برمی‌گردید: یا در دهه ۱۴۰۰ یا ۱۲۰۰. اگر

در دهه ۱۲۰۰ هستی، این یک دوره ۴۰۰ ساله است. اگر به تاریخ اولیه بروید، که من تمایل دارم فکر کنم همینطور است، این بدان معناست که شهر به مدت ۶۰۰ سال بازسازی نشد. ممکن است تعجب کنید که چرا خداوند این هرگز در متن کتاب مقدس توضیح Jericho آن نفرین را بر هر کسی که شهر را بازسازی می‌کرد، قرار داد داده نشده است، بنابراین هر توضیحی که ممکن است ارائه دهیم، استنباطی است. به نظر من آنچه خداوند در نظر همیشه به عنوان دیوارهای ویران شده باقی بمانند، Jericho داشت این بود که آن دیوارهای ویران شده شهر برای زمین را به لطف خدا دریافت کردند. آنها در اطراف آن شهر Israel تا بنای یادبودی برای این واقعیت باشند که راهپیمایی کردند و دیوارها فرو ریختند! به یاد داشته باشید، خداوند به یوشع گفته بود: «آن دوازده سنگ را به با خشک کردن آب از آن طرف رودخانه عبور داد. Jordan River عنوان یادبود بردارید.» به روشی که او آنها را وارد Israel... یادآور این است که وقتی Jericho... به نظر من این یک یادبود دیگر است: ویرانه‌های دیوارهای آن سرزمین را به عنوان هدیه‌ای از جانب خدا دریافت کردند. این قدرت نظامی آنها نبود، land of Canaan شدند بنابراین او آن دیوارها را به عنوان گواهی جاودان بر land of Canaan که... را برایشان به ارمغان می‌آورد این واقعیت می‌خواست که «این سرزمین من است، من آن را به تو می‌دهم.» او نمی‌خواست دیوارها یا دروازه‌ها بازسازی شوند.

من فکر می‌کنم اخاب، به عنوان حاکمی که از خداوند روی برگرداند، یک پادشاه واقعی پایبند به عهد نبود. او پادشاهی نبود که امنیت خود را با پیروی از خداوند، پیروی از خداوند و ادعای وعده خداوند برای حفاظت از ملت پیدا کند. او احساس نمی‌کرد که این شهر باز (یعنی شهری بدون دیوار (در مرز جنوب شرقی پادشاهی شمالی، یک نقطه قوت باشد، بلکه یک نقطه ضعف بود. ما از برخی اطلاعات خارج از کتاب مقدس می‌دانیم که همیشه شهری به نام مدابا را تصرف کرد که درست Moab در آن زمان اخاب توسط میشا، پادشاه... تهدید می‌شد به نظر می‌رسد که اخاب در آن مرز جنوب شرقی پادشاهی شمالی، Jericho شهر... بود Jordan روبروی احساس ضعف می‌کرد و تصمیم گرفت: «من باید آن شهر را تقویت کنم تا امنیت پادشاهی شمالی را حفظ کنم.» اما او این کار را به قیمت از دست دادن پسر اول هینل از بیت‌ئیل و همچنین پسر کوچکش انجام داد.

بنابراین، این نظرات در مورد تصرف شهر شواهد باستان‌شناسی در اریحا الف. کارهای اولیه در اریحا ۴. اریحا است. می‌خواهم چند نکته در مورد یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به این فصل بیان کنم. ما تا حدودی در این موضوع به این دلیل Jericho. مورد این موضوع بحث کردیم وقتی که در مورد تاریخ خروج صحبت کردیم حدود ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد فرو ریخت، بنابراین به Jericho وارد بحث می‌شود که گارستانگ گفت دیوارهای بحثی برای تاریخ اولیه خروج تبدیل شد. تپه یک تپه بسیار مشخص است؛ هیچ شکی در مورد شناسایی محل وجود تا به امروز، یک مکان، Jerusalem به سمت شرق بروید Jericho در Jordan پایین Jericho ندارد. اگر از Dead Sea بسیار قابل مشاهده است. حدود ۱۰ مایلی شمال غربی جایی است که رودخانه اردن وارد می‌شود درست حدود ۱۰ مایلی شمال Dead Sea می‌توانیم نقشه را تصور کنیم: جایی که رودخانه اردن به می‌ریزد یک پشته حدود ۱۵۰۰ فوت ارتفاع وجود، Jericho غربی آن، این تپه است. حدود یک مایل به سمت غرب محل آن پشته غربی دره ریفت توسط تنگه‌هایی بریده land of Canaan دارد که به ارتفاعات بخش مرکزی می‌رود از اهمیت استراتژیک برخوردار است زیرا Jericho land of Canaan شده است که به مرکز دسترسی می‌دهند از ورودی گذرگاه‌هایی که به ارتفاعات مرکزی منتهی می‌شوند، محافظت می‌کند. در آنجا منبع آب خوبی وجود داشت، خاک خوبی داشت و در مکانی استراتژیک قرار داشت که خیلی زود به عنوان مکانی با اهمیت فراوان شناخته شد.

کاوش‌ها در این تپه در اوایل دهه ۱۹۰۰ توسط آلمانی‌ها، به سرپرستی مردی به نام ارنست سلین، آغاز شد و او چندین سال، از ۱۹۰۷ تا ۱۹۰۹، روی این تپه کار کرد. در دهه ۱۹۳۰، یک انگلیسی به نام جان گارستانگ، بیشتر روی این تپه کار کرد. سپس در دهه ۱۹۵۰، کاتلین کنیون، که او هم انگلیسی بود، کاوش‌های چیزی که آلمانی‌ها، گارستانگ و کنیون همگی متوجه شدند این بود که این Jericho بیشتری روی آن انجام داد مکان تاریخ بسیار طولانی دارد. قدیمی‌ترین برج یافت شده مربوط به حدود ۹۰۰۰ سال قبل از میلاد، از عصر چند سال پیش از آنجا بازدید کردیم؛ ما از آنجا پایین آمدیم Jericho حجر نوسنگی است. من و همسرم

وقتی به حومه مکان مدرن می‌رسید (مکان باستانی در کنار مکان مدرن قرار دارد)، وقتی وارد Jerusalem. که می‌گوید: «قدیمی‌ترین شهر روی زمین». «این ممکن است اغراق‌آمیز Jericho می‌شوید، تابلویی وجود دارد باشد، اما نه خیلی زیاد. این مکان تاریخی به ۹۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد که بسیار منحصر به فرد است.

کاوش‌ها نشان داد که در اوایل عصر برنز (۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ پیش از میلاد) (این شهر، شهری بسیار مهم و محصور با دیوارهای بلند بوده است. فقط برای اینکه تصویری از محیط آن داشته باشید، باید بگویم که این شهر با دوران کلدانی‌ها و Ur اگر به اواخر عصر برنز برسید، این همان Egypt دوران عصر هرم در ... موازی است بنابراین در آن زمان شهری مهم Mesopotamia جایی که ابراهیم از جنوب ... بود، Ur سلسله سوم ... است بود. بین ۲۳۰۰ تا ۲۰۰۰ پیش از میلاد ویران شد. ما دقیقاً نمی‌دانیم عامل آن ویرانی چه کسی بود، اما می‌توانم در اینجا بگویم که دیوارهای آن دوره از زمان، دیوارهایی بودند که گارستانگ در ابتدا فکر می‌کرد از زمان یوشع هستند. دیدگاه او بعداً اصلاح شد. در عصر برنز میانی، ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰، دوباره شهری خوش‌ساخت با دیوارهای مستحکم خواهید داشت. این شهر به بزرگترین اندازه‌ای که تا به حال به دست آورده بود، رسید. اکنون در دوره land of پدرسالاری، از ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ پیش از میلاد، هستید، تا آنجا که به آنچه در ... می‌گذرد مربوط می‌شود در پایان عصر برنز میانی، دوباره به شدت ویران شد، و دوباره شما از خود می‌پرسید که چه کسی Canaan. عامل این ویرانی بوده است. ما نمی‌دانیم. برخی از مردم حدس می‌زدند که عامل این ویرانی هیکسوس‌ها بوده‌اند. حدود ۱۵۷۰ پیش از میلاد از آنجا بیرون رانده Egypt برای مدتی حاکمان برجسته‌ای بودند و Egypt هیکسوس‌ها اما حدود ۱۵۷۰ از آنجا بیرون رانده شدند، Egypt شدند. آنها از حدود ۱۷۵۰ تا ۱۵۷۰ حکومت می‌کردند؟ این احتمال Jericho؟ احتمالاً. آیا آنها حمله کردند land of Canaan آنها کجا رفتند؟ آیا به آنجا آمدند. Egypt. وجود دارد، اما ما مطمئن نیستیم. اما باز هم، در پایان عصر برنز میانی ویران شد.

در اواخر عصر برنز، که دوره‌ای است که ما به آن علاقه داریم، یعنی زمان نگارش کتاب یوشع، این شهر دوباره مسکونی شد. با این حال، از آنچه باستان‌شناسان به ما می‌گویند، از آن دوره زمانی، آثار بسیار کمی بر روی تپه باقی مانده است. گارستانگ استدلال کرده بود که این شهر حدود ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد در آن اواخر عصر برنز نابود شده است. کاتلین کنیون این موضوع را رد کرد و از «تخریب عظیم لایه‌های بالایی تپه از این دوره زمانی» سخن گفت. به نظر می‌رسد که بخش زیادی از این سطح در طول آن دوره ۴۰۰ تا ۶۰۰ ساله که شهر پس از سقوط به دست یوشع، بین یوشع و اخاب، عمدتاً خالی از سکنه بود، فرسایش یافته است. در واقع، در آن زمان، این مکان خالی از سکنه بود.

ب. اثر کی. کنیون در مورد اریحا.

اکنون به استنادات خود در صفحه ۵۱ نگاه کنید. جیمز کلسو در مقاله خود در فرهنگ لغت مفسران این تپه می‌گوید: «در سال ۱۹۵۲، کاتلین کنیون کار بر روی این تپه را آغاز Jericho کتاب مقدس در مورد

کرد؛ پس از پنج سال کار او، تصویر باستان‌شناسی واضح‌تر شده است و نتیجه‌گیری‌های زیر اکنون معتبر به نظر می‌رسند. بیشتر تپه مربوط به قرن شانزدهم پیش از میلاد یا قبل از آن است؛ در واقع، عمق اصلی تپه عمدتاً مربوط به دوران نوسنگی است «به عبارت دیگر، بیشتر تپه متعلق به دوران ماقبل تاریخ است و آخرین شهر بزرگ حدود ۳۰۰ سال قبل از موسی بوده است. متأسفانه او دریافته است که بخش کوچکی از سطوح بالایی که از «تخریب باد و باران در امان مانده بودند، همان مناطقی بودند که قبلاً توسط آلمانی‌ها و گارستانگ کار شده بودند از آجر گلی ساخته شده است و این [بنا] به سرعت در اثر باد و باران از هم می‌پاشد. همان بادهایی که Jericho پیش‌تران کوره‌های نوب سلیمان در عصیون گبر بودند، پیش از این نیز از میان آجرهای گلی [این تپه] عبور کرده یک سال، کاوش‌های انگلیسی‌ها به دلیل باران‌های شدید دچار سیل شد؛ حتی در منطقه نوسنگی، Jericho بودند کانال‌های رودخانه‌ای در حال بریدن بخش‌هایی از تپه یافت شدند. بنابراین بعید به نظر می‌رسد که بتوان از خود تپه چیز جدیدی در مورد اریحا قرن سیزدهم آموخت، اگرچه مقبره‌های اطراف ممکن است در آینده بسیار مفید باشند.» سپس به این جمله آخر توجه کنید: «یکی از تراژدی‌های بزرگ باستان‌شناسی فلسطین این است که آلمانی‌ها زمانی که باستان‌شناسی هنوز یک علم نوپا بود، حفاری کردند.» آلمانی‌ها در اوایل دهه ۱۹۰۰ به آنجا Jericho رسیدند و قبل از اینکه روش‌هایی برای حفاری توسعه داده شود، این منطقه از تپه را تخریب کردند، بنابراین این اطلاعات از بین رفته است.

بروید، پاراگرافی از کنیون در صفحه ۵۱ استناد شما. او می‌گوید: «اشغال این مکان از به پاراگراف بعدی دوره مزولیتیک آغاز شد. در آن مرحله، توسعه مداومی در شهر دوره نوسنگی پیش از سفال ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد وجود داشت که با موفقیت توسط دو گروه مختلف از مردم اشغال شد، و پس از آن اشغال بسیار کمتری توسط مردم نوسنگی در آن زمان وجود داشت. در اواخر هزاره چهارم، تا زمان نابودی شهر - به تاریخ‌های او در اینجا توجه کنید - حدود ۱۵۸۰، اشغال مداوم وجود داشت. احتمالاً حدود ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد دوباره اشغال شد.» از زمان این دوره، تقریباً هیچ چیز باقی نمانده است.

اگر تز جان بیمسون را در کتابش با عنوان Jericho. حالا، ما قبلاً در مورد این موضوع صحبت کردیم بازتاریخ‌گذاری فتح خروج «در نظر بگیرید که در آن تاریخ‌گذاری دوره‌های باستان‌شناسی را - من کاملاً مطمئنم که در پایان آن عصر برنز میانی به قرن بعدی، به دهه ۱۴۰۰ میلادی منتقل می‌کند - به کار می‌برد. این کار سطح تخریب ۱۵۸۰ را مثلاً به ۱۴۰۰ کاهش می‌دهد. در این صورت، شما به تاریخ اولیه خروج بر اساس اول پادشاهان ۶:۱ بسیار نزدیک هستید. بنابراین، همانطور که قبلاً اشاره کردم، این بحث همچنان ادامه دارد. اگر کنیون در مورد اینکه تاریخ ۱۵۸۰ یک سطح تخریب است، درست بگوید و سپس تاریخ ۱۵۸۰ او را با تجدیدنظر بیمسون در مورد تاریخ‌های دوره‌های باستان‌شناسی مرتبط کنید، با نظریه تاریخ اولیه مطابقت دارد.

با این حال، همانطور که قبلاً اشاره کردم، برایانت وود اخیراً وارد این عرصه شده ج. آثار اخیر برایانت وود

در کتابشناسی شما به شما دادم. با مراجعه *BAR* به همراه خلاصه‌ای از این مقاله Jericho است. من آن جزوه را به گزارش‌های حفاری خود کنیون، او استدلال می‌کند که شواهد خوبی وجود دارد که نشان می‌دهد این شهر در دهه ۱۴۰۰ میلادی تخریب شده و تاریخ‌گذاری او در آنجا اشتباه است. بنابراین، بحث ادامه دارد.

بگذارید فقط یک نقل قول دیگر برایتان بخوانم. به صفحه ۵۳ نگاه کنید. این به موضوع دیگری که در ادامه به آن خواهیم پرداخت مربوط می‌شود؛ اما به اواسط صفحه ۵۳ نگاه کنید، «تاریخ‌گذاری مجدد کتاب مقدس از سال ۱۹۸۷ آمده است. هیو کالپران در اینجا علیه تاریخ‌گذاری *BAR* در مورد خروج، ناقص است»، که در مجدد بیمسون برای عصر برنز میانی - یعنی پایین آوردن آن تاریخ - استدلال می‌کند. او می‌گوید: «روایت کتاب مقدس از فتح، در اواخر قرن هفتم پیش از میلاد نوشته شده است.» - به عبارت دیگر، در دهه ۶۰۰ میلادی؛ خیلی دیر - «و نمی‌تواند فتح را به هیچ رویدادی که منابع خارجی به ما اجازه تاریخ‌گذاری آن را می‌دهند، مرتبط کند. بنابراین با رعایت احتیاط‌های اولیه در برابر شک و تردید در مورد متن کتاب مقدس، با فشار دادن پلک‌ها محکم روی استخوان گونه، می‌توان و انمود کرد که کتاب یوشع حقیقت بی‌عیب و نقص و خدشه‌ناپذیر است و همه اینها «یک لشکرکشی سرنوشت‌ساز. اما ب. و ل. Canaan در Israel در قرن پانزدهم پیش از میلاد رخ داده است. فتح اکنون ب. و ل. بیمسون و لیوینگستون بودند؛ دیوید لیوینگستون کسی است که تاریخ‌گذاری مجدد بیمسون از - دوره باستان‌شناسی را پذیرفته است - به گفته او، "کاری که ب. و ل. انجام داده‌اند، سادملوچی بی‌چون‌وچرا به قرائت بسیار خاص خود از فتح کنعان در کتاب مقدس است. رویکرد چندگزینه‌ای ب. و ل. جذاب است زیرا خود را به عنوان دفاع از کتاب مقدس جا می‌زنند، اما اینطور نیست. ب. و ل. بسیاری از شواهد کتاب مقدس را رد می‌کنند. در نهایت، آنها گزینش و انتخاب را می‌پذیرند. فرضیه غیرمحمتمل باستان‌شناختی، از نظر متنی دلخواه، از نظر تاریخی غیرقابل قبول، و از نظر باستان‌شناسی، عیب‌های خود را پشت روکشی از تقوای خیرخواهانه پنهان می‌کند. بدون شک تقوا مزایای خود را دارد، اما بهای خود را نیز دارد؛ و بهای تقوای ب. و ل. حدود ۲۰۰ سال تاریخ اسرائیل است».

این بحث اوست. حالا من آن پاراگراف را برای شما خواندم تا به شما نوعی از زبان تقریباً تند و تیز را نشان دهم Jericho. که علیه افرادی که سعی در دفاع از اعتبار داستان‌های فتح دارند - فتح ... - استفاده می‌شود.

بنابراین اینها نظراتی در مورد اریحا هستند. ببینید به حمله به شکست در گناه عای و عخان الف. حمله اولیه ۵. عای، که نزدیک Jericho عای در یوشع ۷ و ۸ ببردازیم. در یوشع ۷: ۱-۵، می‌خوانید که یوشع «مردانی را از فرستاد و به آنها گفت: بروید و منطقه را جاسوسی کنید.» پس مردان بالا، Bethel بیت آن در شرق ... است رفتند و عای را جاسوسی کردند. و چون نزد یوشع بازگشتند، گفتند: «لازم نیست همه قوم به عای بروند. دو یا سه هزار نفر بفرست؛ فقط تعداد کمی مرد آنجا هستند.» «آیه چهارم»: پس حدود سه هزار نفر بالا رفتند؛ اما مردان عای آنها را شکست دادند و حدود سی و شش نفر از آنها را کشتند. آنها بنی‌اسرائیل را از دروازه شهر تا معادن

سنگ تعقیب کردند و آنها را در دامنه‌ها به زمین زدند. با این کار دل مردم گداخته شد و مانند آب شد «بنابراین آنها آن نیروی کوچک را به آنجا فرستادند زیرا فکر نمی‌کردند مخالفت قابل توجهی وجود داشته باشد و شکست خوردند!

یوشع با تعجب می‌پرسد، چرا؟ در آیه ۶ می‌خوانید: «یوشع جامه خود را چاک زد و رو به زمین افتاد و چنین کردند «یوشع در آیه ۷ گفت: «آه، ای خداوند متعال، چرا این قوم را از رود عبور Israel بزرگان قوم نیز تا ما را به دست اموریان بسپاری تا نابودمان کنند؟ کاش به مانند در آن سوی رود راضی بودیم Jordan دادی دشمنانش او را شکسته‌اند، چه Israel) این بعد از آن عبور قابل توجه است» (ای خداوند، اکنون که «Jordan! می‌توانم بگویم؟ کنعانیان و دیگر مردم کشور این را خواهند شنید. آنها ما را محاصره خواهند کرد و نام ما را از زمین محو خواهند کرد. پس برای نام بزرگ خود چه خواهی کرد؟ «پاسخ خداوند این است: «برخیز! چه می‌کنی؟ گناه کرده است. آنها عهد مرا که به آنها دستور داده بودم ننگه دارند، نقض کرده‌اند. آنها برخی از [این Israel چیزهای وقف شده را گرفته‌اند. آنها دزدیده‌اند، دروغ گفته‌اند، آنها را با اموال خود گذاشته‌اند. به همین دلیل است که بنی‌اسرائیل نمی‌توانند در برابر دشمنان خود بایستند. آنها پشت خود را می‌کنند و فرار می‌کنند زیرا در معرض نابودی قرار گرفته‌اند) «این در اینجا است، توسط راه - در معرض نابودی!» (دیگر با شما نخواهم «! بود مگر اینکه هر آنچه را که در میان شما به نابودی اختصاص داده شده است، نابود کنید

بنابراین آنها متوجه می‌شوند که این مرد عخان از چیزهایی ب. تصاحب چیزهای وقف شده توسط عخان که باید به خداوند وقف می‌شد، برداشته است، چیزهایی که او صریحاً به آنها دستور داده بود که انجام ندهند. حال به آیه ۲۰ نگاه کنید: عخان می‌گوید: «من به خداوند گناه کرده‌ام. این کاری است که من انجام داده‌ام: وقتی در دوپست منقال نقره و یک شمش طلا به وزن پنجاه منقال دیدم، به آنها طمع Babylonia غنیمت، ردایی زیبا از ورزیدم و آنها را گرفتم «بنابراین او و خانواده‌اش گرفته و سنگسار شدند، و در آیه ۲۶ می‌خوانیم: «بر عخان توده بزرگی از سنگ‌ها را انباشته کردند که تا به امروز باقی مانده است «یادبود دیگری نیز وجود دارد. این بار یادآورهای فیض خدا - Jericho یادآوری داوری الهی علیه گناه است. عبور از رودخانه و فروپاشی دیوارهای وجود داشت. حالا یادآوری می‌کنم که وقتی از خدا نافرمانی می‌کنید چه اتفاقی می‌افتد.

بنابراین پس از آن، در فصل ۸، نیروی جدیدی بیرون آورده شد و به عای فرستاده شد، و این بار آنها موفق شدند. در آیه ۱۹ ب می‌خوانید: «آنها وارد شهر شدند، آن را تصرف کردند و آتش زدند. مردان عای به عقب نگاه کردند و دیدند که دود شهر به آسمان بلند می‌شود «ما به هیچ یک از استراتژی‌های لازم برای انجام این کار نمی‌پردازیم، اما آنها شهر را تصرف می‌کنند، و در آیه ۲۵ می‌خوانید: «آن روز دوازده هزار مرد و زن - تمام مردم عای - کشته شدند. زیرا یوشع دستی را که نیزه خود را دراز کرده بود، پس نکشید تا اینکه همه ساکنان عای

را نابود کرد «سپس در آیه ۲۸»: آنها عای را سوزاندند و آن را به تلی از ویرانه تبدیل کردند و پادشاه عای را بر «دار آویختند»

ج. باستان‌شناسی ات‌تل و بحث در مورد شناسایی این مکان به عنوان ای

اکنون این موردی است که دوباره بحث‌های زیادی در مورد چگونگی ارتباط تحقیقات باستان‌شناسی با متن کتاب مقدس وجود دارد. در دهه ۱۹۳۰، تپه‌ای وجود داشت که در حال حاضر با نام «ای-تل» شناخته می‌شود و گمان می‌رفت محل هوش مصنوعی باشد و حفاری شد. کسانی که روی آن تپه کار می‌کردند به ما می‌گویند که این شهر حدود ۲۲۰۰ سال قبل از میلاد ویران شد و دیگر مسکونی نشد، به جز یک محوطه بسیار کوچک مربوط به عصر آهن اول در حدود ۱۲۰۰ تا ۱۰۵۰ سال قبل از میلاد. بنابراین اگر این مکان از ۲۲۰۰ تا ۱۲۰۰ مسکونی نبوده باشد، مشکلاتی را برای مرتبط کردن آن یافته‌های باستان‌شناسی با آنچه در یوشع ۷ و ۸ به ما گفته شده است، ایجاد می‌کند. این سوال از نیمه دوم قرن بیستم مطرح بوده و تا به امروز ادامه دارد. پیشنهاد‌های مختلفی برای تلاش برای هماهنگ کردن یافته‌های باستان‌شناسی با توصیف کتاب مقدس ارائه شده است.

یک محقق عهد عتیق فرانسوی به نام وینسنت وجود داشت که اظهار داشت که ات-تل یا ای، یک پایگاه و فتح آی در واقع فتح یک شهر نبوده، بلکه تصرف یک پایگاه نظامی بوده است Bethel نظامی بوده است انتظار نمی‌رفت که شواهد زیادی از اشغال این مکان، Bethel، اگر صرفاً یک پایگاه نظامی بوده باشد. Bethel. آیا Bethel باقی مانده باشد. خب، این یک پیشنهاد جالب است، زیرا یوشع چیزی در مورد تصرف... نمی‌گوید؟ فکر نمی‌کنم بتوانید این را با متن هماهنگ کنید. اگر به فصل ۱۲ بروید، Bethel آی یک پایگاه نظامی بوده است یک «- یک Bethel... جایی که آن لیست پادشاهان گرفته شده را دارید، در آیه ۹ می‌خوانید: پادشاه آی، نزدیک به نظر Bethel... یک «یک پادشاه آی وجود داشت، و یک پادشاه Bethel... پادشاه به آیه ۱۶ بروید: پادشاه Bethel. Bethel نمی‌رسد که آی یک پایگاه نظامی بوده باشد.

پیشنهاد دیگری را در استنادهایتان در صفحه ۵۲ خواهید یافت. این پاراگراف از کتاب «نور گذشته باستان» اثر فینگان است. او درباره مشکل هماهنگ‌سازی داده‌های باستان‌شناسی با روایت کتاب مقدس صحبت می‌کند و می‌گوید محتمل‌ترین توضیح این است: «دشواری در این مرحله در سردرگمی بین آی و... نهفته کمتر از یک و نیم مایل از آی فاصله دارد و به عنوان بیتین، Bethel... محل شهر دوم، یعنی Bethel. است کاوش‌ها در آنجا Bethel... شناخته می‌شود؛ به عبارت دیگر، در شناسایی مدرن مکان، بیتین تصور می‌شود تحقیقات شرقی و مدرسه علمیه پیتسبورگ American School توسط هیئت‌های اعزامی مشترک توسط مرکز مشخص شد که بیتین ابتدا پس از تخریب شهر قدیمی Bethel. تحت نظر دبلیو. اف. آلبرایت و جیمز کلسو انجام شد

تا اینکه در قرون وسطی-اواخر برنز به عنوان یک شهر شناخته شده وجود داشت. Ai عصر برنز اشغال شده بود در قرن سیزدهم، شهر در اثر آتش‌سوزی مهیبی که توده‌های جامدی از آجر سوخته، خاکستر و آوار زغال شده را به این «Israel جا گذاشت، از بین رفت. شکی نیست که این تخریب نشان دهنده فتح شهر توسط فرزندان... است. یک واقعیت است. در پاراگراف بعدی او می‌گوید: «می‌توان اشاره کرد که در کتاب یوشع هیچ شرحی از تصرف توسط Bethel در حالی که از سوی دیگر، در روایت بعدی داوران، تصرف عای Bethel، عای داده نشده است. خاندان یوسف روایت شده است، اما چیزی در مورد عای گفته نشده است. بنابراین، می‌توان فرض کرد «- [و این به اشتباه اما به طور Bethel دیدگاه آبرایت و تعدادی دیگر است -]» که در تاریخی بعد، روایت غارت عای طبیعی، به ویرانه‌های مجاور عای نسبت داده شده است «به عبارت دیگر، چگونه با این تناقض ظاهری در یافته‌های باستان‌شناسی در ات-تل و روایت کتاب مقدس از تصرف عای برخورد کنیم؟ خب، هر کسی که این با داستان تخریب عای اشتباه گرفته است. آنچه واقعاً در فصل‌های Bethel تاریخ را نوشته، داستان تخریب عای را نه درباره عای. البته، این بدان معناست که متن کتاب مقدس قابل اعتماد، Bethel می‌خوانید درباره عای است ۸-۷ نیست.

در پایین صفحه در مورد Kitchen و Free اگر به صفحه ۵۳ در بخش استنادات خود نگاه کنید، هم می‌گوید: «راه حل Free. این مشکل بحث می‌کنند. من فکر می‌کنم آنها به سمتی می‌روند که معقول‌ترین راه است یکی گرفته شود «- Bethel/Ai نباید با Et-Tel ارائه شده است، این است که J. Simons اخیری که در تحقیقات نیست، بنابراین هر Et-Tel، Ai به عبارت دیگر، این شناسایی محل، مشکل است. این شناسایی محل اشتباه است؛ به شما نمی‌گوید». او [یعنی جی. سیمونز] چهار ایراد به Ai انجام شود، چیزی در مورد Et-Tel حفاری که در یوشع ۹:۱۲ نشان Bethel این شناسایی وارد می‌کند. اول، ات-تل به طور خاص نزدیک بینین نبوده است یا اینکه دوم، ات-تل مکانی بزرگ است، در حالی که یوشع ۳ تعداد افراد را کم. Bethel می‌دهد که عای در کنار آن است توصیف می‌کند. سوم، ات-تل در دوره پس از فتح ویرانه نبود، در حالی که یوشع اشاره می‌کند که عای وجود داشته است. و چهارم، هیچ دره وسیعی در شمال ات-تل با یوشع ۱۱ وجود ندارد، در صورتی که آنها مردان لشکر یوشع را از دست داده باشند «بنابراین، فری در حال دفاع از شناسایی نادرست مکان است. اگر قرار نیست ات-تل با عای یکی دانسته شود، پس این اشاره که ات-تل در ۱۴۰۰ پیش از میلاد وجود نداشته است، هیچ ارتباطی با تاریخ کتاب مقدس ندارد. یا اگر پیشنهاد وینسنت مبنی بر اینکه عای قلعه‌ای بوده که مقدار کمی یا هیچ چیز از آن باقی نمانده است، صحیح باشد، باز هم روایت کتاب مقدس هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند. اما با ذکر پادشاه هوش بنابراین او می‌گوید: «با توجه به چنین رامحل‌های Bethel. مصنوعی و پادشاه... مشکلاتی را ایجاد می‌کند «ممکنی، اصرار بر اشتباه بودن کتاب مقدس توصیه نمی‌شود

کیچن در پایین صفحه بسیار شبیه به این است: او می‌گوید: «کاوش‌ها در ات-تل، به جز یک سکونتگاه کوچک اسرائیلی در سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۰۵۰، هیچ مدرک معتبری از سکونت در آنجا پس از اوایل عصر برنز

ارائه نداده‌اند. ادعای مکان گاهی اوقات جنجال ایجاد می‌کند؛ این وضعیت نشان می‌دهد که ات-تل، آی نیست، بلکه «یک مکان باستانی دیگر، شاید بیت آن، است و باید آی را در جایی دیگر در منطقه نزدیک ات-تل جستجو کرد می‌توانم بگویم که یک مشکل بسیار جدی در مورد این نوع شناسایی مکان وجود دارد. تپه‌هایی در هیچ تابلوی راهنمایی وجود ندارد که بگوید "اینجا این یا آن شهر. land of Canaan سراسر شهر وجود دارد باستانی بوده است." شما همه این تپه‌ها را دارید، آنها را حفاری می‌کنید و کلی آوار وجود دارد. شما در مورد نام مکان‌ها در کتاب مقدس می‌خوانید - چگونه نام مکان کتاب مقدس را با یک تپه مرتبط می‌کنید؟ این کار آسانی نیست. آلبرایت، در دهه‌های 1920 و 1930، سوار بر الاغ در کنعان می‌گشت و شناسایی مکان‌ها را انجام می‌داد: آنجاست "و بارها دلایل خوبی برای انجام آنها داشت؛ اما در Bethel، خب، این این مکان است، آن آن است" بسیاری از موارد آنها را به اشتباه شناسایی می‌کرد. کیچن می‌گوید: «وقتی تپه‌ها و اسناد ادبی با هم مطابقت ندارند، در موارد دیگر، توپوگراف‌ها و باستان‌شناسان وحشت نمی‌کنند، بلکه صرفاً از عقل سلیم خود استفاده می‌کنند و تشخیص می‌دهند که احتمالاً در شناسایی خود اشتباه کرده‌اند و به جستجوی جاهای دیگر منطقه ادامه و هوش مصنوعی درس‌هایی Jericho می‌دهند. مشکل هوش مصنوعی را باید دقیقاً به همین شکل در نظر گرفت از شواهد منفی هستند. فقدان بقایای مورد انتظار مربوط به اواخر عصر برنز به طور خودکار به این معنی نیست «که روایت‌های کتاب مقدس اشتباهاتی در یک داستان علت‌شناسی هستند کیچن این است»: نبود شواهد، گواه فقدان نیست «صرفاً به این دلیل که شما شواهدی را که ضرب‌المثل ممکن است بخواهید داشته باشید، ندارید، به این معنی نیست که متن کتاب مقدس یا متن دیگری لزوماً اشتباه است. واقع‌گرایی ضمنی اشارات توپوگرافی و رهبری یوشع خلاف این را نشان می‌دهد، همانطور که قیاس شکست «. باستان‌شناسی در تولید، با سایر شواهد باستانی غیرقابل انکار یا اسناد مکتوب هماهنگ است»

اکنون، از زمانی که کیچن و فری آن نظرات را در مورد شناسایی د. سایت جایگزین شناسایی لیوینگستون مکان ارائه کردند، مردی به نام دیوید لیوینگستون شروع به بررسی این موضوع کرد. برخی از مطالب را در کتابشناسی خود تحت این عنوان خواهید یافت. به صفحه ۱۲ در وسط صفحه در کتابشناسی خود نگاه کنید. در سال مقاله‌ای در *مجله الهیات وست‌مینستر* با عنوان «بازنگری در مکان بتل و هوش Livingston ۱۹۷۰» مصنوعی کتاب مقدس «نوشت، و سپس یک سال بعد مقاله دیگری با عنوان «مکان سنتی بتل مورد تردید قرار گرفت» و مقاله دیگری در سال ۱۹۹۴ با عنوان «بررسی بیشتر مکان بتل در البیره» نوشت. کاری که لیوینگستون در آن مقالات انجام می‌دهد این است که پیشنهاد می‌کند ما به یک شناسایی مکان جدید نیاز داریم، نه بیتین و هوش مصنوعی، ات-تل Bethel دیدگاه سنتی این بود که Bethel... فقط برای هوش مصنوعی، بلکه برای با استدلال‌ها و شواهد زیادی که نمی‌خواهم وارد آنها شوم، استدلال می‌کند که باید هر دوی آنها Livingston بودند. شاید این مکان در البیره باشد، نه بیتین، و هوش Bethel را به مکان‌های مختلف منتقل کنیم. او پیشنهاد می‌کند که

مصنوعی یا اینجا در خربت المکاطیر است یا خربت البیره. اگر به نقشه نگاه کنید، می‌توانید ببینید که بیتین اینجا است، البیره اینجا است. بنابراین می‌بینید، همه آن مکان‌ها در نزدیکی یکدیگر قرار دارند. سوال باقی می‌ماند: کدام تپه، کدام مکان است؟

تا به امروز در Livingston در مورد کاوش‌ها، می‌خواهم فقط چند نکته سریع بیان کنم. از کاوش‌هایی که خیربت نیسیه به عنوان آی انجام شده است، او دریافته است که سکونت در آن مکان تقریباً در زمان گذار از عصر برنز میانی به عصر برنز متاخر متوقف شده است. به عبارت دیگر، شما در آن دوره ۱۵۰۰ هستید. و دوباره، اگر آن دوره ۱۵۰۰ را مرور کنید، همانطور که بیمسون استدلال می‌کند، مناسب خواهد بود. برایتان وود، که آن مقاله در سال‌های اخیر در مکان دیگر، الماچاتیر، مشغول کاوش بوده است. او به Jericho را در مورد... نوشت یافته‌های بسیار جالبی دست یافته است. او دریافت که الماچاتیر یک مکان مستحکم مربوط به زمان یوشع، در دهه میلادی، بوده است. این تنها مکان مستحکم در آن عصر برنز متاخر است - عصر برنز متاخر ۱۵۰۰ تا ۱۴۰۰ و شکیم است که تاکنون Jerusalem قبل از میلاد است - این تنها مکان مستحکم از عصر برنز متاخر بین ۱۲۰۰ کشف شده است. حالا، شکیم خیلی به سمت شمال است. بنابراین این یک مکان مهم بود و او همچنان به کاوش در آنجا ادامه می‌دهد. جالب خواهد بود که ببینیم او چه چیزی پیدا می‌کند، اما مطمئناً این یک احتمال است، و اگر شواهدی پیدا شود که شاید اینجا عای باشد، می‌تواند مشکل را حل کند.

در مورد دیگر موضوع تغییر مکان سنتی بیت‌ئیل از ه. سوال در مورد شناسایی بیت‌ئیل به عنوان بیتین [البیره] بیتین به البیره - نکته جالب در بیتین این است که در کاوش‌های انجام شده در آنجا، آنها هرگز شواهدی برای مکان و Bethel مرتفعی که توسط پربعام اول ساخته شده بود، پیدا نکرده‌اند. پس از تقسیم پادشاهی، او یک محراب در دیگری در دان برپا کرد. آنها هرگز شواهدی از این موضوع پیدا نکرده‌اند. هیچ کاوشی در بیره انجام نشده است، بنابراین مکانی وجود دارد که اگر در آینده کاوش شود، دیدن آن نیز ممکن است جالب باشد. مشکل سیاسی است. بلندترین نقطه شهر، که احتمالاً مکانی برای جستجوی جایگاه West Bank بیره یک شهر فلسطینی در... است. بلند پربعام خواهد بود، محل خانه شهردار شهر است که فلسطینی است. بنابراین، فکر نمی‌کنم در آینده نزدیک هیچ حفاری در بیره انجام شود. اما این سوال در مورد عای و اینکه چگونه یافته‌های باستان‌شناسی را به روایات کتاب مقدس در مورد تصرف عای توسط یوشع ربط می‌دهید، مطمئناً یک سوال همیشگی است.

خب، وقتمون تموم شده. دفعه‌ی بعد باید از اینجا بریم.

رونویسی توسط کیت دانهی
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط الیزابت فیشر
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت